



حسین تربتی

چشم حضرت یعقوب^۲ و همچنين امر به توسل نمودن به پیامبر اکرم ﷺ برای استغفار^۳ و همین طور روایات فراوان داریم که صحابه به پیامبر اکرم ﷺ توسل جستند.^۴

عده‌ای، حتی قبل از وهابيون این شبهه را مطرح می‌کردند که به غیر خدا نمی‌توان توسل جست؛ چون شرک است، شبیه آن توسلی که بت-پرستان به بتها داشتند. به این شبهه بارها پاسخ داده شده است که از آن جمله، قرآن، واسطه قراردادن فرزندان یعقوب^۱ به پدر را برای استغفار مطرح نموده است و همین طور واسطه قرار گرفتن پیراهن یوسف ﷺ برای شفای

۲. یوسف/۹۶.

۳. یوسف/۹۳؛ نساء/۶۴: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَقْرَأُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرُوا لِمَا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ الرَّسُولُ لَرَجَعْنَاهُمْ إِلَيْكَ فَيَكْتُمُونَ إِلَيْكَ رِجْسًا لِمَ كَفَرُوا ۚ فَيُكْفَرُونَ بِكَ وَكَيْفَ يُكْفَرُونَ بِكَ إِذْ كَانُوا كَاذِبِينَ﴾

۴. رک: مستدرک احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.

ج ۲، ص ۱۲۸؛ مستدرک صحیحین، حاکم

نیشابوری، ج ۱، ص ۳۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱،

ص ۴۲۱، ج ۲، ص ۱۳۸۲؛ شفاء السقام فی زیارة

۱. یوسف/۹۷.



ولی جدیداً این شبهه را القا می‌کنند که: اگر توسل به پیامبر اکرم ﷺ جایز باشد در صورتی است که در قید حیات باشند؛ ولی بعد از رحلت و یا شهادت افراد، دیگر نمی‌توان به آنها توسل جست. در پاسخ این شبهه سعی می‌کنیم از طریق آیات قرآن و روایات فریقین، سیره صحابه، و قول علمای اهل سنت، مسئله را به روشنی به اثبات رسانیم.

در ابتدا لازم است به این نکته توجه شود که در اسلام مرگ به معنای نابودی و نیستی نیست؛ بلکه انتقال حقیقت انسان یعنی روح او از دنیا به عالم دیگر است. در آن عالم، حیات انسان به گونه‌ای قوی‌تر ادامه می‌یابد، تا هنگامی که روز رستاخیز و معاد فرا رسد. قرآن کریم درباره مرگ کلمه «توفی» را به کار برده است که به معنای «چیزی را تمام و کمال گرفتن» می‌باشد. قرآن، حیات انسان

در فاصله میان مرگ تا روز رستاخیز را «برزخ» نامیده است که برزخ به معنای «فاصله میان دو چیز» است؛ لذا می‌فرماید: «وَمِنَ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۱؛ «و پس از مرگ فراروی ایشان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند».

آیه الله جعفر سبحانی در این زمینه می‌نویسد: «دانشمندان الهی معتقدند که انسان علاوه بر بدن و سلسله اعصاب و واکنشهای متقابل مادی آن، جوهری اصیل به نام «روح و روان» دارد که مدتی با این بدن، همراه می‌باشد و بعداً پیوند خود را از بدن بریده و در محیط ویژه خود، با بدن لطیف‌تر به سر می‌برد. بقای ارواح پس از مرگ انسان، مسئله‌ای نیست که بتوان آن را در این صفحات، ثابت و مبرهن نمود؛ زیرا [بقای نفس و روح انسان] با آیات قرآنی، و دلایل دقیق

غیرالانام، تقی الدین سبکی، ص ۱۶۵، صحیح

مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰.

۱. مؤمنون/۱۰۰.

خداوند از کرم خود به ایشان داده است، خرسند و شادمانند و به کسانی که به آنها نپیوسته‌اند، بشارت می‌دهند... و از نعمتهای الهی و فضل او ابراز خوشحالی می‌کنند.^۴ این آیات به‌خوبی دلالت دارد که شهدا زنده‌اند.

۲. یاور رسولان مسیح در بهشت برزخی: مردی که رسولان و فرستادگان حضرت عیسی علیه السلام را یاری کرد و به همین جهت کشته شد، به هنگام مرگ چنین گفت: «مَنْ بَعَدَ خَدَايَا شَمَا [فرستاده‌ها] اِيْمَانًا اُورِدْمَ. [به خاطر همین ایمان] بَعَا او كَفْتَه شَد: وَاوَد بَهْسْت شَوَا كَفْت: اِي كَاَش قَوْمِ مَن مِي دَاَنْسْتَنَد كَه خَدَايَا مَن مَرَا بَخْشِيْد وَ كَرَامِي دَاَشْت.»^۵

مراد از بهشت و نعمتهایی که در آیه اشاره شد، مربوط به بهشت

فلسفی و تجارب روحیون امروز ثابت شده است.^۱

قرآن و بقای روح

آیات قرآن با صراحت تمام به بقای ارواح پس از جدایی از بدن دلالت دارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. شهدا زنده‌اند: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾؛^۲ «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید؛ بلکه آنان زندگانند؛ ولی شما نمی‌دانید.»

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾؛^۳ «گروهی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید؛ بلکه آنان زندگانند که نزد خدایشان روزی می‌خورند.» در ادامه همین آیه می‌خوانیم: «آنان به آنچه

۴. همان / ۱۷۱ - ۱۷۰.

۵. «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ، قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ: يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.» يس / ۲۷ - ۲۵.

۱. راهنمای حقیقت، جعفر سبحانی، نشر مشرق،

۱۳۸۵، اول، ص ۱۲۹.

۲. بقره / ۱۵۴.

۳. آل عمران / ۱۶۹.

برزخی است، نه اخروی؛ زیرا تا روز قیامت بر پا نشود و عبور از صراط تحقیق نپذیرد، کسی وارد بهشت یا جهنم نمی‌شود.

ممکن است به ذهن برسد که شاید تنها شهدا و مؤمنان زنده باشند؛ ولی در قرآن آیاتی داریم که می‌رساند کفار نیز زنده‌اند؛ از جمله درباره فرعونیان می‌خوانیم:

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾؛ ^۱ آل فرعون صبح و عصر بر آتش نشان داده می‌شوند، روزی که آخرت بر پا می‌گردد، حکم می‌شود که آل فرعون را بر سخت‌ترین عذاب وارد سازید!

وقتی شهدا، مؤمنین و کفار؛ حتی کفاری چون فرعون در عالم برزخ زنده هستند، انبیا و اولیای الهی زنده نیستند؟ یقیناً آنها زنده‌اند و این امری

است که علمای بزرگ اهل سنت نیز به آن اعتراف کرده‌اند.

حرف زدن با مردگان

درک درست حیات برزخی و آیات و روایات، به روشنی بر امکان سخن گفتن با مردگان معمولی و اینکه آنان سخن ما را می‌شنوند و به ما پاسخ می‌دهند، دلالت دارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. قوم حضرت صالح علیه السلام پس از آنکه شتری را که معجزه حضرت بود، پسی کردند و از دستور خداوند سرپیچی نمودند، مورد عذاب الهی قرار گرفته و با زلزله‌ای هلاک شدند. قرآن در باره گفتگوی حضرت صالح با قوم هلاک‌شده‌اش چنین می‌گوید: ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ فَنُتِلَىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾؛ ^۲ «پس، زلزله‌ای آنان را فرا گرفت و در

یافتید؟ من که آنچه را خداوند به من وعده داده بود، به حق یافتم.»

در این هنگام عمر به پیامبر ﷺ گفت: آیا مردگان را صدا می‌زنید؟ آن حضرت فرمود: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعِ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ غَيْرَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَرُدُّوا أَشْيَاءَ؛ سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست شما از آنان نسبت به آنچه می‌گویم شنواتر نیستید؛ لکن قدرت بر جواب ندارند.»

۳. گفتگوی پیامبر ﷺ با مردگان بقیع: در روایت آمده است: پیامبر اکرم ﷺ در آخرین روزهای زندگی‌شان، نیمه شب همراه برخی صحابه خود، رهسپار قبرستان بقیع شدند و پس از ورود به بقیع، به آرامیدگان در آنجا چنین فرمودند: «سلام بر شما که در جایگاه افراد با

خانه‌های خویش بی‌جان افتادند، آن‌گاه صالح از آنان روی گردانید و گفت: ای قوم من! پیام خداوند را به شما رساندم و شما را نصیحت کردم؛ اما شما ناصحان را دوست نمی‌دارید.»

اگر قوم صالح قابل سخن گفتن نبودند و سخنان حضرت صالح ﷺ را نمی‌فهمیدند، چگونه یک رسول الهی با آنها سخن گفته است؟

۲. عمل پیامبر ﷺ در جنگ بدر:

در روایات شیعه و سنی آمده است، پس از آنکه جنگ بدر با کشته شدن هفتاد تن از قریش و اسیر شدن هفتاد نفر از آنان، به نفع مسلمانان به پایان رسید، رسول اکرم ﷺ دستور داد تا کشته‌های مشرکان را در چاهی بریزند؛ سپس آن حضرت یکایک کشتگان را به نام صدا زد و خطاب به آنان فرمود: «هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ حَقًّا؟ فَإِنِّي وَجَدْتُ مَا وَعَدَنِي اللَّهُ حَقًّا! آیا شما آنچه را که خدا و رسولش وعده داده بود، به حق

۱. بحار الاتوار، محمد باقر مجلسی، دار الوفاء، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۹، ص ۳۲۶، صحیح بخاری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج ۵ ص ۱۷۷، صحیح مسلم، دار الفکر، بیروت، ج ۸، ص ۱۶۳.

ایمان قرار گرفته اید! شما بر ما سبقت
جسته اید و ما هم به زودی به شما
ملحق می شویم.»^۱

۴. توجه مردگان در قبر: در
روایات اهل سنت آمده است: «وقتی
بنده در قبرش قرار گرفت و
دوستانش رفتند، هنوز آن مرده صدای
کوبیده شدن کفش آنها را می شنود که
دو فرشته خدا، برای سؤال از او
می آیند.»^۲

۵. جواب سلام دادن مردگان:
رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا مَرَّ الرَّجُلُ
بِقَبْرِ أَخِيهِ يَعْرِفُهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَرِّفْهُ وَإِذَا مَرَّ
بِقَبْرِ لَا يَعْرِفُهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ رَدُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۳

۱. ارشاد، شیخ مفید، دار المفید، بیروت، ۱۴۱۳، ج
۱، ص ۱۸۱ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۵۸،
ح ۱۰۵۹ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۰،
ص ۱۸۳.

۲. صحیح بخاری، همان، ج ۲، ص ۹۲ و ۱۰۲،
قال رسول الله ﷺ: إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى
وَذَهَبَ أَصْحَابُهُ حَتَّى إِنَّهُ لَيَسْمَعُ قَرْعَ نَعَالِهِمْ آتَاءُ
مَلَكَانِ فَأَقْبَدَاهُ.»

۳. کنز العمال، مقفی هندی، مؤسسة الرسالة،
بیروت، ۱۴۰۹ هـ - ق، ج ۱۵، ص ۶۲۶.

وقتی کسی از کنار قبر برادر دینی
خود که می شناسد، بگذرد و بر او
سلام کند، مرده سلام او را پاسخ
می دهد و او را می شناسد و اگر از
کنار قبری بگذرد و صاحب آن را
نشناسد و سلام کند، مرده سلام او را
پاسخ می دهد.»

وقتی مرده انسانهای عادی جواب
سلام بدهد، آیا پیامبر اکرم ﷺ و
امامان معصوم علیهم السلام حتی بعد از
مماتشان سخنان ما را نمی فهمند و
جواب ما را نمی دهند؟

۶. تلقین میت: یکی از آداب و
مستحبات دفن «تلقین میت» است که
مورد اتفاق شیعه و سنی می باشد، در
بخشی از این تلقین می خوانیم: «إِذَا
أَتَاكَ الْمَلِكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَأَلَاكَ عَنِ رَبِّكَ وَعَنِ
نَبِيِّكَ وَعَنِ دِينِكَ وَعَنِ كِتَابِكَ وَعَنِ

ح ۲۲۵۵۶، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱،
ص ۳۸۷.

۴. مسند احمد حنبل، بیروت، دار صادر، ج ۷،
ص ۵۲۷.

که پشت دیوار شهر کوفه قرار داشت رسید، آنها را مخاطب ساخته، سخنانی در ناپایداری دنیا به آنها گفت، سپس فرمود: «این خبری است که نزد ما است، نزد شما چه خبر؟ بعد افزود: «أَمَا لَوْ أَدْنَى لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود، به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه [آخرت] تقوی است.»^۲

در سرگذشت جنگ جمل نیز می‌خوانیم که بعد از شکست اصحاب جمل، علی علیه السلام در میان کشتگان عبور می‌کرد، به کشته «کعب سور» قاضی بصره رسید، فرمود او را بنشانید، او را نشانندند فرمود: وای بر تو ای کعب! علم و دانش داشتی؛ اما برای تو سودی نداشت و شیطان تو را گمراه کرد و به آتش دوزخ فرستاد.^۳

قِيلَتْكَ... فَلَا تَخَفْ وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللَّهُ جَلُّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نَبِيِّ وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي^۱؛ وقتی دو ملک مقرب که فرستاده خدای متعال هستند آمدند و از پروردگارت و نبی و دینت و کتابت و از قبلهات پرسیدند؛ پس نترس و در جواب آنان بگو: خدای جلیل پروردگار من و محمد صلی الله علیه و آله نبی من و اسلام دین من و قرآن کتاب من و کعبه قبله من است.»

در صحیح مسلم از ابو سعید خدری و ابو هریره از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شده است که فرمود: «لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟» مردگان خود را تلقین لا اله الا الله کنید.»

در نهج البلاغه آمده که علی علیه السلام از صفین بازمی‌گشت، در کنار قبرستانی

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، آل البیت، ج ۲، ص ۴۲۸، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۶۱.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۱، کتاب الجنائز، ح ۱ و ۲.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۱۳۰.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲۸، تفسیر نمونه، همان، ج ۱۵، ص ۵۲۴.

از آنچه گفتیم، بخوبی بدست آمد که مرگ نابودی و از بین رفتن نیست؛ بلکه انتقال از دار دنیا به عالم دیگری به نام برزخ است و تمام انسانها در آنجا با بدن برزخی زنده‌اند و خویان از نعمتهای بهشت برزخی برخوردارند و بدن داخل جهنم برزخی به سر می‌برند.

دلایل خاص بر حیات برزخی انبیاء ﷺ

گذشته از دلایل عام، به صورت خاص نیز دلایلی داریم که انبیا و پیامبر اکرم ﷺ در برزخ زنده هستند و علمای اهل سنت نیز به آن اقرار و اعتراف کرده‌اند. به این نمونه‌ها توجه کنید!

۱. محمد بن یوسف شامی می‌گوید: «حَیَاةُ النَّبِیِّ ﷺ فِی قَبْرِهِ هُوَ وَ سَائِرُ الْأَنْبِیَاءِ مَعْلُومَةٌ عِنْدَنَا عِلْمًا قَطْعِيًّا، لَمَّا قَامَ عِنْدَنَا مِنَ الْأَدِلَّةِ فِی ذَلِكَ وَتَوَاتُرَتْ بِهِ الْأَخْبَارُ. وَقَالَ الشَّيْخُ جَمَالُ الدِّينِ الْأَرْدَبِيلِيُّ الشَّافِعِيُّ فِی كِتَابِهِ «الْأَنْوَارُ فِی أَعْمَالِ الْإِبْرَارِ»: قَالَ الْبَيْهَقِيُّ فِی كِتَابِ «الْإِعْتِقَادِ»:

الْأَنْبِیَاءُ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ بَعْدَ مَا قُبِضُوا رُدَّتْ إِلَيْهِمْ أَرْوَاحُهُمْ، فَهُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ أَنْ صَلَّاتِنَا مَعْرُوضَةٌ عَلَيْهِ وَأَنْ سَلَامَتِنَا يَبْلُغُهُ وَاللَّهُ تَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِیَاءِ؛ زنده بودن پیامبر ﷺ در قبر و سایر انبیا در نزد ما با علم قطعی معلوم است؛ به‌خاطر ادله‌ای که در این رابطه داریم و اخبار متواتری که بر آن وجود دارد و شیخ جمال الدین اردبیلی شافعی در کتابش به نام «الانوار فی اعمال الابرار» از بیهقی در کتاب الاعتقادش نقل کرده که: انبیا بعد از آنکه قبض روح شدند، ارواح آنان دوباره به آنها برمی‌گردد و آنها نزد خداوند زنده هستند. به‌راستی که نماز ما بر آن حضرت عرضه می‌شود و سلام ما به او می‌رسد و خداوند اجساد را بر خاک [که از بین ببرد] حرام کرده است.»

۱. سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۲۱۲ هـ، ۱۹۹۳ م، ط. الاوولی، ج ۱۲، ص ۳۵۵.

بِإِذْنِ اللَّهِ عَلَى ظَوَاهِرِ الْخَلْقِ وَسَرَائِرِهِمْ؛^۳
پیامبر ﷺ در قبر عظیمش زنده است و
بر ظواهر مردم و پشت پرده‌های آنان
اطلاع دارد.

این جملات بخوبی دلالت دارد
که پیامبر ﷺ بعد از رحلت نیز از
اعمال مردم آگاهی دارد و پاسخ
سلامها و درخواستهای آنان را می‌دهد
و به توسلهای آنان نیز پاسخ می‌گوید
و در آن عالم زنده است.

جواز توسل به پیامبر اکرم ﷺ بعد
از رحلت

از نظر شیعه جای هیچ شبهه‌ای
نیست که می‌توان به پیامبر اکرم ﷺ و
امامان معصوم علیهم‌السلام بعد از رحلتشان نیز
توسل جست؛ زیرا آنها در عالم برزخ
زنده‌اند و بر گفتار و رفتار ما اشراف
دارند. در این زمینه اغلب علمای اهل
سنت نیز باور دارند که بعد از رحلت

البته آنچه می‌گوییم این است که
انبیا و رسول خاتم ﷺ در عالم برزخ
در قالب مثالی زنده‌اند؛ ولی این
جملات به خوبی می‌رساند که انبیا
زنده هستند.

«و سبکی» گفته است: «وَمِنْ عَقَائِدِنَا
أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ أَحْيَاءَ فِي قُبُورِهِمْ؛^۱ از عقاید ما
این است که انبیا در قبورشان زنده-
اند.» و در جای دیگر گفته: «عِنْدَنَا أَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَيٌّ يَحْسُ وَيَعْلَمُ وَتُعْرَضُ
عَلَيْهِ أَعْمَالُ الْأُمَّةِ وَيَبْلُغُ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ؛^۲
در نزد ما، رسول خدا ﷺ [در عالم
برزخ] زنده است و حس دارد و
می‌داند [آنچه بر امت می‌گذرد] و
اعمال امت بر او عرضه می‌شود و
درود و سلام [امت] به او می‌رسد.»

در حاشیه «اعانة الطالبین» آمده
است که: «إِنَّهُ حَيٌّ فِي قَبْرِهِ الْأَعْظَمِ مُطَّلِعٌ

۳. اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۴۹۱، به نقل از
موسوعة زیارات المعصومین، مؤسسة الامام
الهادی، سوم، ۱۴۲۷ هـ. ق، مرداد، ۱۳۸۵ هـ.
ش، جلد صفر، ص ۶۸.

۱. طبقات الشافعية الكبرى، عبد الوهاب بن علی
سبکی، دار احیاء الکتب العربیة، القاهرة، ج ۳،
ص ۲۸۲ - ۲۸۵.
۲. همان، ص ۴۱۲.

پیامبر اکرم ﷺ می‌توان به او توسل جست و او را بین خود و خدا واسطه قرار داد.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛^۱ «و اگر آنان که بر خود ستم کرده‌اند به نزد تو بیایند و از خدا آمرزش بخواهند و پیامبر ﷺ نیز برای آنان طلب آمرزش کند، خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت.»

مسئلاً ریشه استجابت دعای پیامبر ﷺ را باید در روح پاک و نفس کریم و قرب ایشان نسبت به خداوند جستجو کرد. به پاس این کرامت معنوی است که خداوند دعای او را می‌پذیرد؛ زیرا دعای برخاسته از روح پاک و قلب مملو از مهر الهی بدون چون و چرا به هدف اجابت می‌رسد، و در این مورد فرقی بین حیات مادی و برزخی صاحب قلب نیست.

گواه بر اینکه آیه یاد شده به زمان حیات رسول خدا ﷺ اختصاص ندارد این است که مسلمانان جهان از عصر صحابه و تابعان تا به امروز، عملاً این باب رحمت را باز می‌دانند و زائران روضه مطهر هم اینک پس از تقدیم سلام و درود به پیشگاه ارجمند پیامبر ﷺ آیه یاد شده را تلاوت می‌کنند و ضمن استغفار به درگاه الهی از پیامبر نیز می‌خواهند که برای آنان طلب آمرزش کند و هر فردی در هر زمانی که به حرم آن حضرت مشرف شود، زائران را در این حالت می‌یابد.^۲

علاوه بر این، جمع زیادی از علما بر این امر تصریح کرده‌اند که می‌شود بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ به آن حضرت متوسل شد. به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

«شریف نور الدین سمه‌وری» از «سبکی» نقل نموده که: آیه ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ

۲. رک: راهنمای حقیقت، همان، ص ۱۲۲.

مستحب دانسته‌اند برای کسی که نزد قبر آن حضرت بیاید، این آیه را تلاوت کند و استغفار نماید.»

۲. جماعتی از جمله «شیخ ابو نصر بن صباغ» در کتابش به نام «الشامل» نقل کرده‌اند که: «من در نزد قبر پیامبر ﷺ بودم که اعرابی آمد و عرض کرد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَغْفِرًا لِدُنْيَايَ مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَىٰ رَبِّي ... ثُمَّ انصَرَفَ الْأَعْرَابِيُّ، فَقَلَّبْتَنِي عَيْنِي، فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ فِي النَّوْمِ فَقَالَ: يَا عُبَيْتِيُّ، الْحَقِ الْأَعْرَابِيُّ فَبَشَّرَهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَهُ؛ سلام بر تو ای رسول خدا. از خدا شنیدم که فرمود: «و اگر آنان که بر خود ستم کرده‌اند به نزد تو بیایند و خود از خدا آمرزش بخواهند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش کند، خدا را توبه‌پذیر و مهربان خواهند یافت» و من آمده‌ام که از گناهم استغفار کنم؛

إِذْ ظَلَمْتُمْ...» دلالت می‌کند بر تشویق آمدن نزد رسول خدا ﷺ و استغفار در نزد آن حضرت و استغفار آن حضرت برای مردم. و این رابطه با مرگ او قطع نمی‌شود. و اینکه فرموده: «وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ» بر جمله «جَاؤُوكَ» عطف شده، دلالت ندارد که استغفار رسول بعد از درخواست استغفار مردم باشد. تازه اگر قبول کنیم، نمی‌پذیریم که پیامبر بعد از رحلت برای ما استغفار نمی‌کند؛ چون حضرت زنده است و یکی از موارد استغفار آن حضرت هنگام عرضه اعمال مردم بر آن حضرت است.»

و در بخش دیگر می‌گوید: «وَالْعُلَمَاءُ فَهَمُّوا مِنَ الْآيَةِ الْمُؤَمَّمِ لِحَالَتِي الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَاسْتَحَبُّوا لِمَنْ أَتَى الْقَبْرَ أَنْ يَتْلُوهَا وَاسْتَغْفَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ؛ علما از آیه فهمیده‌اند که شامل حالت رحلت و زنده بودن [پیامبر] می‌شود؛ و لذا

۱. وفاء الوفاء، نور الدین سمهوری، دار الکتب

العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۳۶۰.

۲. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۷۳.

پروردگارا! تو در کتابت خطاب به پیامبرت چنین گفتی: «هرگاه آنان بر خویش ستم کنند و نزد تو بیایند». پروردگارا! من در حال استغفار به حضور پیامبرت رسیدم و از تو می‌خواهم مغفرتت را نصیبم کنی، همان‌طور که در حال حیات پیامبر ﷺ نصیب اصحاب وی می‌فرمودی. پروردگارا! من با وسیله قراردادن پیامبر ﷺ به سوی تو روی می‌آورم.»

۴. غزالی (متوفای ۵۰۵ ق.) در بخش مربوط به فضیلت زیارت مدینه، کیفیت زیارت آن حضرت را به تفصیل نقل کرده است و می‌گوید: «پس از به پایان رساندن درودها رو به قبر پیامبر ﷺ ایستاده خدا را حمد و ثنا بگویند و درود فراوانی به پیامبر ﷺ بفرستند؛ سپس آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ آتَيْتُمْ بَنِيكُمْ مُسْتَفْرِرًا فَسَأَلْتُمْ أَن تُوَجَّهَ إِلَيْهِمُ الْبَنِيكُمْ»؛ سلام بر تو ای رسول خدا، درود بر تو ای پیامبر خدا...»

«اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ سَخِفْنَا قَوْلَكَ وَأَطَفْنَا أَمْرَكَ وَقَصَدْنَا نَبِيَّكَ مُشْفِعِينَ بِكَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَقَدْ أَثَقَلَتْ ظُهُورُنَا مِنْ أَوْزَارِنَا!»

۲. احیاء العلوم، محمد غزالی، دار المعرفه، ج ۱.

در حالی که تو را [ای رسول خدا] شفیع نزد پروردگارم قرار می‌دهم. سپس برگشت و من لحظه‌ای بخواب رفتم؛ پس پیامبر ﷺ را در خواب دیدم که فرمود: ای عتبی! به دنبال اعرابی برو و به او بشارت بده که خداوند گناهایش را بخشید.»

این جریان هم جواز توسل به پیامبر اکرم ﷺ بعد از رحلت را نزد اهل سنت نشان می‌دهد و هم اثر این توسل را.

۳. «ممهوری» از کتاب «المستوعب» نگارش «محمد بن عبد الله سامری حنبلی» کیفیت زیارت آن حضرت را چنین نقل می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ... اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ لِنَبِيِّكَ ﷺ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاوَوْكَ وَإِنِّي قَدْ آتَيْتُمْ بَنِيكُمْ مُسْتَفْرِرًا فَسَأَلْتُمْ أَن تُوَجَّهَ إِلَيْهِمُ الْبَنِيكُمْ فِي حَيَاتِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ ﷺ؛ سلام بر تو ای رسول خدا، درود بر تو ای پیامبر خدا...»

رو به قبله دعا کنم و یا رو به قبر؟ [امری که وهابیه‌ها تأکید دارند که باید دعا رو به قبله باشد.] مالک گفت: چرا می‌خواهی صورتت را از قبر پیامبر برگردانی؟ «وَهُوَ وَسِيْلَتُكَ وَوَسِيْلَةُ اَيْبِكَ اَدَمَ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى؟ بَلْ اسْتَقْبَلْ وَاسْتَشْفَعْ بِهٖ فَيَشْفَعَهُ اللّٰهُ فَيْبِكَ؟»^۲ درحالی‌که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم علیه السلام در نزد خدای تعالی است؛ بلکه رو به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بایست و از او طلب شفاعت کن که خداوند شفاعت او را در مورد تو می‌پذیرد.»

این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان حتی بعد از رحلت او توسل جست و او را وسیله در پیشگاه الهی قرار داد و برای گناهان خویش طلب استغفار نمود.

سیره اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و تابعین و جمیع مسلمانان - اعم از

«پروردگارا! سخن تو را شنیدیم و امر تو را اطاعت کردیم و نزد پیامبر تو آمدیم؛ در حالی که او را شفیع خود نزد تو برای آمرزش گناهانمان قرار داده‌ایم و پشت ما از بار گناهان سنگین است.»

۵. «دارمی» آورده است که: «در مدینه قحطی شدیدی پیش آمد، گروهی از مردم نزد عایشه رفته و چاره‌جویی خواستند، عایشه گفت: کنار قبر پیامبر بروید، سوراخی در بالای قبر ایجاد نمایید به طوری که آسمان از آنجا دیده شود و منتظر نتیجه باشید. مردم رفتند و بالای قبر را مقداری سوراخ کردند؛ به‌گونه‌ای که آسمان دیده می‌شد. ناگهان باران شدیدی شروع به باریدن کرد و تا مدت‌ها بیابانها سبز شد و حیوانات فریه شدند. گفته می‌شود این سوراخ تا مدت‌های مدیدی وجود داشت.»^۱

۶. «منصور دوانیقی» از «مالک» پرسید: «آیا بعد از زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

۲. امتاع الاسماع بما للنبی عن الاحوال والاموال، تقی الدین مقریزی، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۶۱۷.

۱. سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۰۸، ش ۹۳، باب «ما اکرمه الله تعالی نبیه بعد موته».

الحاق انمه ﷺ به پیامبر اکرم ﷺ
حضرت علیؑ طبق صریح آیه
مباهله به منزله جان نبی است^۱ و طبق
حدیث معروف منزلت^۲ تمام مقامات
پیامبر ﷺ جز پیامبری و دریافت وحی
را دارا است؛ لذا بعد از شهادت آن
حضرت - چون در عالم برزخ حیات
دارد - می شود به او و همین طور
امامان دیگر توسل جست.

بر همین اساس است که در اذن
دخول مَشاهد اولیای الهی می خوانیم:
«وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخَلْقَاتِكَ ﷺ أَحْيَاءٌ
عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَوْمَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ
كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي...؛^۳ خدایا!
می دانم که رسول و خلیفه های تو که
سلام و درود بر آنان باد زنده اند و نزد
تو روزی می خورند. ایستادن مرا
می بینند و سختم را می شنوند و
سلامم را جواب می دهند.»

شیعه و سنی - بر این اساس، پس از
رحلت آن حضرت بر استغاثه و
استمداد از روح مطهر ایشان بوده
است.^۱

«بیهقی» از «مالک الدار» و نیز «ابن
ابی شیبه» با سند صحیح آورده است:
«مردم در زمان عمر بن خطاب گرفتار
قحطی و خشکسالی شدند. در آن
زمان «بلال بن حرث» یکی از صحابه
رسول خدا ﷺ کنار قبر پیامبر ﷺ آمد
و چنین گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَسْقِ اللَّهَ
لِأُمَّتِكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ هَلَكُوا؛ ای رسول خدا!
از خداوند برای امت طلب باران کن
که هلاک شدند...» روایت فوق نشان
می دهد که درخواست دعا از نبی
اکرم ﷺ بعد از وفات ایشان است و
این درخواست روا می باشد و روح
آن بزرگوار نیز از درخواست کسی که
طلب دعا می کند، آگاهی دارد.

۲. آل عمران / ۶۱

۳. رک: المراجعات، ص ۱۲۹ - ۱۳۲.

۴. مفاتیح، ص ۵۲۹.

۱. رک: وفاء الوفاء، الاخبار دار المصطفی، ج ۲.

ص ۴۱۳، الوفاء فی فضائل المصطفی، ابن جوزی،

باب طلب شفا از قبر نبی اکرم ﷺ.

یک شبهه

ممکن است گفته شود: از آیات قرآن استفاده می‌شود که مردگان نمی‌شنوند؛ چون در قرآن می‌خوانیم: ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى﴾^۱ «تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی.» و در آیه دیگر آمده است: ﴿مَا أَنْتَ

بِسْمِيعٍ مِّنْ فِي الْقُبُورِ﴾^۲ «و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنها که در قبرها خفته‌اند برسانی.» بدین جهت سلام کردن و سخن گفتن با پیامبر و امامان و حاجت خواستن از آنان امری بی اثر و بی‌نتیجه است.

در پاسخ این شبهه باید گفت: آیات فوق مربوط به کافران زنده ولی مرده دل است و به این جهت به مردگان تشبیه شده‌اند؛ زیرا همچنانکه مرده به حسب ظاهر نمی‌شنود و نمی‌بیند و مجاری ادراک حسی (همچون چشم و گوش) ندارد، این

کافران نیز چشم حق بین و گوش حق شنو ندارند و در واقع این دو آیه می‌خواهد بگوید: ای پیامبر! تو قدرت بر هدایت کافران نداری و نمی‌توانی سخن حق را به آنان بفهمانی. در این زمینه به سخنان برخی مفسران توجه داده می‌شود:

الف. زمخشری در ذیل آیه اول می‌گوید: مشرکین و اهل کتاب به مردگان تشبیه شده‌اند، با اینکه آنها زنده و دارای حواس می‌باشند، به این جهت که وقتی آیات الهی را می‌شنوند، از گوش آنها تجاوز نمی‌کند، گویا نشنیده‌اند و حال آنان مانند کسی است که از گوش و وسیله شنوایی برخوردار نیستند؛ مثل مردگان که از وسیله شنوایی محرومند.^۳

در ذیل آیه دوم، بعد از اینکه می‌گوید: خداوند مخذولین را می‌شناسد، می‌گوید: و اما تو ای رسول خدا! پس امر آنها بر تو مخفی

۱. نمل / ۸۰.

۲. فاطر / ۲۳.

۳. الکشاف، محمود زمخشری، بیروت، دار الکتاب

العربی، دوم، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، ج ۳، ص ۳۸۳.

است؛ لذا بر هدایت گروهی از مخذولین به سوی اسلام حریص و مثل تو در این کار مثل کسی است که بخواهد به مردگان چیزی بفهماند و یا انذار نماید و این امری است که امکان ندارد. پس آیه از باب تشبیه کفار به مردگان است.^۱

ب. در تفسیر نمونه ذیل آیه اول می‌خوانیم: «اینکه آنها این حق مبین را پذیرا نمی‌شوند و سخن گرم تو در قلب سرد آنها اثر نمی‌کند جای تعصب نیست؛ چرا که تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی. مخاطب تو زندگانند؛ آنها که روحی زنده و بیدار و حق طلب دارند، نه مردگان زنده که تعصب و لجاجت و اسرار بر گناه، فکر و اندیشه آنها را تعطیل کرده است.»^۲

و در ذیل آیه دوم می‌خوانیم: «فریاد تو هر قدر رسا و سخنانت هر اندازه دلنشین و بیانت هر مقدار گویا

باشد، مردگان از آن چیزی درک نمی‌کنند و کسانی که بر اثر اصرار درگناه و غوطه‌ور شدن در تعصب و عناد و ظلم و فساد، روح انسانی خود را از دست داده‌اند، مسلماً آمادگی برای پذیرش دعوت تو ندارند»^۳.

پس مراد از مردگان در آیات فوق کافران و ملحدان مرده دلند.

جمع‌بندی

از آنچه گفتیم بخوبی روشن می‌شود که: اولاً طبق صریح قرآن، روایات و اعتراف علمای اهل سنت، پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ در عالم برزخ زنده‌اند و سخنان ما را می‌شنوند. ثانیاً، حرف زدن با مردگان هم در قرآن آمده و هم در روایات، و ثالثاً، در روایات فراوانی از اهل سنت نقل شده است که بعد از رحلت پیامبر ﷺ به آن حضرت توسل شده است؛ در نتیجه توسل به رسول اکرم ﷺ و امامان ﷺ هیچ اشکالی ندارد و موافق قرآن و روایات می‌باشد.

۱. همان، ج ۳، ص ۶۰۸.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار

الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، ج ۱۵، ص ۵۴۰.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۲۳۱.